

# پرچمداری که به کاروان شهیدان پیوست

روح بلند پیشوای ملت بزرگ ایران و پیش قراول امت اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای، با نوشتیدن شهد گوارای شهادت در ماه مبارک رمضان به ملکوت اعلی عروج کرد

شده به دشمن آمریکایی -صهیونی خواهد فهماند که اینجا ایران است، سرزمین دلبران. امام خامنه‌ای بارها و بارها در سخنان خود از آرزوی خود از شهادت گفته و در بخشی از صحبت‌های خود خطاب به خانواده شهدا تاکید کرده بود که ای کاش -و این داعیی ست که از قلب ما بر می آید-ای کاش که مرگ ما هم مثل مرگ فرزندان شما باشد.

امت پس از آقامه نماز صبح در مساجد سراسر کشور به صورت خودجوش به خیابان‌ها آمدند و در سوگ مقتدای خود گریستند، تانشان دهند که مسیر استقلال خواهی ملت ایران پس از رحلت امام خمینی(ره) و شهادت امامی خامنه‌ای رضوان الله علیه زنده‌تر از هر زمان دیگری است و با رجعت مقتدایشان، پرچم انقلاب بر زمین نخواهد ماند، و بیرقی که پای آن خون‌های عزیز زیادی ریخته

عهده‌دار شد و با شجاعت مثال زدنی و ایمان راسخ خود فصل نوینی از حکمرانی را در تاریخ اسلام رقم زد و تا آخرین لحظه حیات مبارک و تاریخ‌ساز خود در برابر کفر و طاغوت و استکبار راهبری امت اسلامی را عهده‌دار بود. پس از انتشار خبر شهادت امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی حوالی ساعت پنج صبح روز یکشنبه ۱۰ اسفند ماه، خیل عظیم دوستداران امام

در پی حملات سبعانه دولت جنایت‌پیشه آمریکا ورژیم منحوس صهیونیستی به مناطقی در محدوده خیابان پاستور و بیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسوه ایمان، جهاد و مقاومت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ به فیض رفیع شهادت نائل آمدند. خلف صالح روح خدا که در بیش از ۳۷ سال رهبری داهپانه پیشتازی و پرچمداری واقعی جبهه اسلام را

## مسیر زندگی آیت‌الله خامنه‌ای

سالک راه ایمان، که از محراب تالمیدان، در پی حق گام زد؛ اکنون در ماه رحمت، جانش را به آفتاب ملکوت سپرد و آرام گرفت



گزارش ساواک از فعالیت‌هایش در همین روز ثبت شد. با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب، او به پیشنهاد استاد مطهری به عضویت شورای انقلاب در آمد و در تهران مستقر شد. او با تحصن در مسجد دانشگاه تهران، در بسته شدن فرودگاه‌ها و استقبال تاریخی از امام، نقش کلیدی ایفا کرد و به عنوان مسئول کمیته تبلیغات دفتر امام، همواره در قلب جریان انقلاب حضور داشت.

### هشت سال سکانداری دولت

با پیروزی انقلاب، بعد از چند مسوولیت متنوع، آیت الله خامنه ای در سال ۱۳۵۹ به عنوان نماینده مردم تهران وارد مجلس شورای اسلامی شد و کمی بعد از سوی امام خمینی به عنوان امام جمعه موقت تهران منصوب شد. ۶تیر ماه ۱۳۶۰، در کوران تروهای گروه ترورستی مجاهدین خلق، وقتی در مسجد ابوذر مشغول سخنرانی بود، هدف بمب منافقین قرار گرفت؛ اما تقدیر این بود که از این ترور جان به در برد تا اندکی بعد، با شهادت محمدعلی رجایی، به عنوان رئیس جمهور ایران برگزیده شد.

### چهار دهه سکانداری نظام

با رحلت امام خمینی (ره) مجلس خبرگان آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را با اکثریت قاطع آرا به رهبری برگزید و بدین ترتیب نسلی تازه از مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی شکل گرفت. دوره رهبری ایشان که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد، یکی از طولانی‌ترین و اثرگذارترین مقاطع در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. در دهه‌های ابتدایی رهبری او، کشور با شرایط دشوار بازسازی پس از جنگ ایران و عراق روبه‌رو بود؛ دوره‌ای که تمرکز بر تثبیت نهادهای حاکمیتی، بازتعریف سیاست خارجی و تقویت توان دفاعی در اولویت قرار گرفت. در این سال‌ها که با ریاست جمهوری آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی دوران سازندگی نام گرفت، ایران کوشید تا میان استقلال سیاسی و توسعه داخلی توازنی نوپدید آورد و نقش خود را در معادلات منطقه‌ای تثبیت کند.

سال ۱۳۷۶ در شرایطی که جامعه به شدت دوقطبی شده بود، با پیروزی سید محمد خاتمی، رهبر انقلاب از حضور مردم به‌عنوان حماسه دوم خرداد یاد کرد. در دهه‌های بعد، سیاست‌های کلان فرهنگی، علمی و اقتصادی زیر هدایت رهبر جمهوری اسلامی رنگ‌وبویی راهبردی‌تر یافت. رشد چشمگیر در علوم پایه و فناوری‌های نو، از جمله صنایع دفاعی و هسته‌ای، در کنار گسترش گفت‌مان «پیشرفت و عدالت» و «اقتصاد مقاومتی»، از شاخصه‌های این دوران است. در عرصه سیاسی، چالش‌هایی چون تحریم‌های بین‌المللی، مذاکرات هسته‌ای و تحولات منطقه‌ای باعث شکل‌گیری فراز و فرودهایی در مناسبات داخلی و جهانی ایران شد. با این حال، استمرار نقش رهبری در حفظ ثبات سیاسی و تداوم ساختار جمهوری اسلامی، از منظر بسیاری از ناظران، مهم‌ترین ویژگی این دوران به شمار می‌رود. مدیریت گروه‌های مقاومت از لبنان و فلسطین تا عراق و سوریه و یمین با نقش آفرینی سردارانی چون قاسم سلیمانی، رهبر ایران را به یکی از چهره‌های مقتدر جهان تبدیل کرد، طوری که نشریه فوربز در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ ایشان را یکی از قدرتمندترین افراد جهان نامید. آیت‌الله خامنه‌ای در کنار جایگاه سیاسی، یکی از مراجع تقلید اصلی جهان تشیع به شمار می‌رفت که مقلدان زیادی در نقاط مختلف شیعه نشین دنیا داشت، کسانی که امروز در سوگ مرجع عالی خود نشسته‌اند.

تحریک طلاب و تهدید امنیت کشور کرد. بازداشت و بازجویی‌های طولانی، تمرکز بر کتاب «آینده در قلمرو اسلام» و سخنرانی‌هایش بود. با شجاعت و وضوح، اتهامات را رد کرد و دفاعیاتش، نشان از جسارت و بینش عمیق او داشت. نهایتاً، از اتهام اهانت به رئیس کشور تبرئه شد، اما به سه ماه حبس تأدیبی محکوم گردید.

### منبرهای نقد حکومت

در میان شب‌های گرم رمضان سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹، منبرهای آیت‌الله خامنه‌ای دل‌های جوانان را روشن می‌کرد. سخنانش نه تنها درس تقوا و ایمان بود، بلکه نقدی تیز و بی‌پرده از بی‌عدالتی‌ها و فساد حکومت شاهنشاهی نیز در بر داشت. او با انتشار کتابی از صلح امام حسن سخن می‌گفت، از ضرورت اتحاد مسلمانان، و از اهمیت قرآن در زندگی فرد و جامعه. امید را به دل‌های خسته جوانان می‌ریخت و آن‌ها را به ایستادگی و دفاع از حقوق خود فرا می‌خواند. اما این شور و روشنگری، چشم ناظران ساواک را بر او باز کرد. منبرها و کلاس‌های تفسیر قرآن او، زیر نظر مأموران قرار گرفت و خبرچینانی به اطرافش گماشته شدند. مهر ۱۳۴۹، چهارمین بازداشتش رقم خورد؛ بازجویی‌هایی طولانی و پرورنده‌هایی پر جزئیات، تنها به دلیل اعلام ارادت به امام خمینی و نقد سیاست‌های رژیم. با وجود فشار و تهدید، شجاعتش پای‌را ماند و همه اتهامات جدی علیه او اثبات نشد و نهایتاً به سه ماه حبس تأدیبی محکوم گردید. سال ۱۳۵۰ و در آستانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، باز هم بازداشت شد. پس از تعهد به عدم فعالیت ضدحکومتی، آزاد گردید، اما محدودیت‌ها هرگز اراده‌اش را نشکست. او همچنان در منبرها و کلاس‌های تفسیر، درباره تحریفات اسلام و ضرورت مقاومت در برابر ظلم سخن می‌گفت و نمایندگی امام خمینی در دریافت وجوهات شرعی را بر عهده گرفت.

تاریخ این سال‌ها تصویری است از منبری که در برابر ظلم، سکوت نکرد؛ از جوانانی که بیداری را از او آموختند؛ و از منبری که حتی محدودیت و تهدید نتوانست آن‌را خاموش کند. روحیه‌ای که هم‌زمان نقدگر، امیدبخش و روشنگر بود، و نشان داد که کلام حق، هرگز در زنجیر نمی‌ماند.

### تبعید به ایران‌شهر

در سال ۱۳۵۲ شمسی، سرنوشت آیت‌الله خامنه‌ای به ایران‌شهر گره خورد؛ جایی که حکم تبعید و سه سال اقامت اجباری او صادر شد. با این حال، محدودیت‌های جغرافیایی نتوانستند روح او را محصور کنند. در مسجد آل‌رسول و بزمان، سخنرانی‌هایش پژواک عدالت‌خواهی و توجه به مسائل اجتماعی و نابرابری بود، و نامه‌هایش به شهید محمد صدوقی، صدای نارضایتی مردم را به گوش دیگران می‌رساند. ساواک، هرچند مراقبت شدیدی از او به عمل آورد، نتوانست مانع نماز جماعت، فعالیت‌های تبلیغی و حضور معنوی و سیاسی‌اش شود؛ و او همچنان چراغ امید را در دل مردم روشن نگه داشت.

### نقش آفرینی در انقلاب

آذر ۱۳۵۷، هم‌زمان با تاسوعا و عاشورای حسینی، آیت‌الله خامنه‌ای در حرم مطهر امام رضاع) سخنرانی کرد و خطبه شب عاشورا را به نام امام خمینی قرائت نمود. رهبری تظاهرات باشکوه اربعین مشهد نیز بر دوش او بود و آخرین

تاریخ همیشه شاهد روزهایی پر از اندوه و تحول است؛ روزهایی که با نام مردانی مهم گره می‌خورد و آینده در مه تردید، فرو می‌رود. نهم اسفند ۱۴۰۴ یکی از چنین روزهایی بود؛ روزی که خبر شهادت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، جامعه ایران را در بهت فرو برد. علاقمندان‌ش در خیابان‌ها و خانه‌ها اشک ریختند، پرچم‌ها نیمه‌افراشته شد و رسانه‌ها به روایت این حادثه تلخ پرداختند.

### کودکی با قبا و عمامه

در دل بهار سال ۱۳۱۸، هنگامی که نسیم در کوچه‌های مشهد می‌وزید، سید علی خامنه‌ای در خانواده‌ای روحانی و پرمحبت چشم به جهان گشود. پدرش شیخ جواد، زاده نجف و از عالمان مشهد، و مادرش، خدیجه میردامادی با گرمای مهر و اعتقادات راسخ، زمینه رشد و شکل‌گیری شخصیتی بارآده را در وجود او فراهم کردند. علی، فرزند دوم خانواده، در کنار سه برادر و یک خواهر در محیطی سرشار از ایمان و ساده‌زیستی پرورش یافت. دوران کودکی او، هرچند همراه با سختی و تنگدستی بود اما سرشار از تلاش و درس‌آموزی بود. خودش بعدها نقل می‌کرد که گاهی شب‌ها در خانه حتی شام نداشتند و مادر، با چند ریال، کشمش و کمی شیر آن را با نان می‌میخفت تا خانواده سیر شود. از همان سال‌های نخست، علی قبا و عمامه بر تن داشت و از چهار سالگی به مکتب‌خانه‌رفت، جایی که نخستین درس‌های قرآن و اخلاق را فرا گرفت. او پس از گذراندن دوره ابتدایی در دارالتعلیم دیانتی همزمان با کلاس پنجم، پا در مسیر علوم حوزوی گذاشت. مدرسه سلیمان‌خان و سپس مدرسه نواب، سکوی پرتاب او به سطوح بالای علوم دینی شدند؛ معالم‌الاصول رانزد آیت‌الله سید جلیل حسینی سیستمی، شرح لمعه رانزد پدر و میرزااحمد مدرس یزدی فرا گرفت و رسائل، مکاسب و کفایه را نزد پدر و آیت‌الله‌هاشم قزوینی آموخت. در ۱۷ سالگی، او به درس خارج فقه آیت‌الله سید محمد هادی میلانی راه یافت و فلسفه را نزد شیخ مجتبی قزوینی دنبال کرد؛ دوره‌ای که نه تنها علم و دانش، بلکه استقامت و روحیه جهادی او را شکل داد و مسیر زندگی‌اش را برای سال‌های آینده روشن ساخت.

### در جستجوی علم دین

در پاییز سال ۱۳۲۶، آیت‌الله‌خامنه‌ای دل به مسیر دانش سپرد و رهسپار نجف اشرف شد؛ شهری که در دل خود علمای بزرگ و محافل معرفت را جای داده بود. در محضر استادان برجسته‌ای چون سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی و میرزا حسن بجنوردی نشست و از دریای دانش آنان بهره جست. اما دل، هنوز ایران و زادگاهش را می‌طلبید؛ پس از دو ماه، بازگشتی کوتاه به وطن رقم خورد و در سال ۱۳۳۷، راهی حوزه علمیه قم شد.

قم برای او نه تنها مکانی برای تحصیل، بلکه دریچه‌ای به عمق تفکر و فعالیت اجتماعی بود. درس‌های امام خمینی و حاج شیخ مرتضی حائری بیش از همه توجهش را جلب می‌کرد و جلسات درس آیت‌الله بروجردی نیز راهنمایی مستمر برای او بود. سال‌های قم، دوران شکل‌گیری دانش دینی بود؛ سال‌هایی که بذر نقش آفرینی آینده‌اش در تاریخ ایران را در دل و ذهن او کاشتند.

### دیوارهای ساواک شکست

در سال ۱۳۴۱، هنگامی که زمزمه‌های لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همه‌پرسی انقلاب سفید در فضای کشور پیچید، جوانی در مشهد تلاش کرد افکار عمومی شهرش را به امام خمینی متوجه کند. این نخستین جرقه‌های حضور سیاسی او بود؛ جرقه‌ای که به تدریج شعله‌ورتر شد و پایه‌های نقش آفرینی او در تحولات آینده را مستحکم ساخت. سال بعد، در آستانه عاشورا، آموریتی دیگر از سوی امام خمینی به او سپرده شد: انتقال پیام‌هایی به آیت‌الله میلانی. اما این مسیر صعب و پرمخاطره، نخستین تجربه بازداشت او را رقم زد: ده‌روزی کوتاه در بند. بازگشت به مشهد، به رغم بیماری پدر، به معنای فاصله گرفتن از مسئولیت اجتماعی و سیاسی نبود.

رمضان ۱۳۴۲، هنگامی که در قم جلسه‌ای برای گرامیداشت قیام ۱۵ خرداد برگزار شد، اوبی درنگ اعلام کرد: «هر کجا بگویید، حاضرم بروم.» زاهدان مقصد او شد و سخنرانی‌هایش در مسجد جامع، موجی از استقبال مردمی را به دنبال داشت. بیان شجاعانه و دعا برای امام خمینی و آیت‌الله شاه‌رودی، ساواک را بر آن داشت تا او را بازداشت کند. اما همان روز آزاد شد.

اول محرم ۱۳۴۳، گرگان شاهد حضور او بود؛ جایی که نهضت اسلامی را تبیین می‌کرد و حوادث مدرسه فیضیه و قیام ۱۵ خرداد را بازگو می‌نمود. حتی نامه‌ای که به پدرش فرستاد، زیر نگاه امنیتی قرار گرفت، اما فعالیت‌هایش توجه مأموران را جلب کرد و دستگاه‌های امنیتی را در پی یافتنش واداشت. بازگشت او به مشهد در پایان اسفند ۱۳۴۵، بار دیگر باعث شد ساواک چشم از او برندارد. سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایش در مسجد گوهرشاد، او را متهم به

خبر N W E S

## سلام بر امام شهید ایران

نهضت زنده است. تصور خیلی‌ها آن بود شعله جریان مبارک و پربرکتی که به لطف همراهی ملت ایران و نفس ملکوتی حضرت امام خمینی‌رحمه‌الله در بهمن ۱۳۵۷ روشن شده است، با رحلت آن روح ملکوتی خاموش خواهد شد و سرد. پایان جنگ تحمیلی و یک سال بعد از آن، ارتحال خمینی کبیررحمه‌الله، دستگاه محاسبات خیلی‌ها را دچار عوجاج کرده بود. محاسبات مادی به چیزی فراتر از این قد نمی‌دادند. احکام همه شبیه به هم بود: «درجه حرارت استقلال طلبی و استکبارستیزی هم خواهد افتاد.»

دو چیز، اما، غایب این تحلیل‌ها بود؛ نخست، اراده و انگیزه ملتی که برای خدا قیام کرده بودند. دوم هم راهبر و سکان‌داری که هدایت کشتی انقلاب را پس از خمینی کبیر به‌دست گرفته بود. امت را اگر امامی باشد و امام را هم اگر امتی، آنگاه قیام و حرکت برای خدا نه تعطیل خواهد شود و نه درجه حرارتش سرد. ملت و امت، به حکم فطرت الهی، شانه زیر بار امانت الهی می‌دهند. ملت ایران همان امت بود و خامنه‌ای رضوان الله علیه شهید هم همان امام. حیات و شهادتش نشان داد شاگرد خوبی برای مسیر توحیدو خمینی کبیر رحمه‌الله بوده است؛ فقیه عالی‌قدری که هم مردم خود را می‌شناخت و هم از تاریخ مبارزات آنها درس‌های زیادی آموخته بود و از همه مهم‌تر، متعبد به همان اصول امام روح‌الله خمینی رحمه‌الله کبیر بود. اسلام‌شناس حاذقی که برحسب اعتراف دوست و دشمن، مسلط به اقتضات زمان بود.

زاهد متعبدی که زی‌ورندگی و حیانتش، پس از عصر جمهوری اسلامی نسبت به قتل‌آزار آن، بعد از دوران ریاست جمهوری نسبت به پیش از آن و پس از دوران زعامت و رهبری نسبت به گذشته‌آن، هیچ تغییری نکرد. سیدعلی خامنه‌ای همه این اداور، همان سیدعلی خامنه‌ای طلبه جوان دهه‌سی و چهل و پنجاهی بود که لایه‌لای اسناد ساواک به آن اشاره شده بود؛ عالم بااخلاقی که عمری حضور در سیاست، غباری بر شخصیت مذهب او ننشاند و بر تقوا و پروای الهی او افزود. شهید سیدعلی خامنه‌ای رضوان الله علیه با همه اینها، افتخارش شاگردی مکتب خمینی کبیر رحمه‌الله بود؛ اسطوره تعبد و قیام برای خدادر زمانه‌ای که همه حکم به پایگانی توحید می‌دادند.

پس عجب نخواهد بود در زمانه‌ای که او راهبری ملت ایران و امت اسلام را بر عهده گرفت، نه تنها شعله نهضت به سردی نگرآید، بلکه حالا گرم‌تر از هر زمان دیگری است. قیام برای خدا، استقلال طلبی، ایستادن روی زانوان خود و نه گفتن به اجنبی، پایه‌های نهضت خمینی کبیر بود؛ شاخصه‌هایی که نبض‌شان حالا نه فقط در ایران، بلکه در کل منطقه تندتر می‌تپد.

مسیر توحیدی خمینی رحمه‌الله رهروان بیشتری یافته و همه اینها یعنی راهبری نهضت در مسیر اصول خمینی کبیر رحمه‌الله، پس از حیات ظاهری او متوقف نشده بود. خامنه‌ای شهید، مستظله به همراهی ملت آزاده ایران، در امتداد همان راه خمینی کبیر رحمه‌الله بود و هست. او در تمام مدت راهبری نهضت، جز در این مسیر نبود.

شهادت و حیات ابدی‌اش هم خون دیگری در رگ‌های نهضت تزریق کرد. شاگرد، در همان مسیر، مقتدا؛ مؤمن به خدا و مؤمن به قدرت مردم موجدو مؤمن به سنت‌های الهی که اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند.

نهضت زنده است، چون خمینی رحمه‌الله زنده است؛ چون خامنه‌ای رضوان الله علیه زنده است؛ چون مردم موحد ایران اسلامی زنده‌اند